

من که از عدلم چو جنت شد زمین منکه از عزمم چو گلشن شد زمان
 دخمه ام گردیده ویران و خراب بی نشان و بی کس و بی پاسبان
 پای تخم جای کرک و مار و مور جز ستونی چند نبود در میان
 پس همان بهتر روم در کور خویش تا نه بینم خار جای ضیمران
 قاهره مصر — مهدی رفیع مشکی

جهان زنان

۱- جوانان ما و تربیت زنان

یکی از قضایای اساسی و جالب دقت که اخیراً در فضای تیره و سهمناک ایران مطرح گردیده و غلغله و شوری خاطرها افکنده و انظار متفکرین و مصلحین را بخود متوجه داشته همانا تربیت و تعلیم طایفه زن‌هاست که مجملی درین باب در شماره ۱۲ سال اول این مجله نگاشتیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اکنون نیز نظر باینکه مسئله کانون ایران جوان مورد بحث واقع شده درین باب چند کلمه بطور اختصار مینویسیم:

مثلی است مشهور که هر که جلونرود عقب میرود. توانائی مردها بسته بترقی زن‌هاست و اگر زنها بیک حال بماتند مردها نیز نمیتوانند ترقی بکنند. زن تاریکیهای جهل را از پیش چشم مرد بر میدارد، زن جاذبه عشق و محبت و مولد قوت و شهامت است. زن بمنزله قطب نماییست که بدلات آن انسان در دریای محیط زندگی حرکت میتواند بکند، زن تریاق سموم زندگانی است،

زن سری است از اسرار طبیعت که بکنه آن پی نمیتوان برد. زن عزیزترین مخلوق عالم است که بی او زندگی محالست، زن فرشته رحمت و بهترین نمونه قدرت خدائی است، زن در نظام عالم دارای خواص و تاثیراتی است که هیچیک از عناصر موجود جهان پایه آن نمیشود و بالاخره زنت که همه گونه عواطف انسانی را دارا بوده حسیات وطنی و ملی و قواعد و آداب مذهبی و تکالیف اجتماعی را به اطفال ما میاموزد و رجال قوی فکر و توانا برای مملکت ما پرورش میدهد و بدینجهت هر ملتی که زنان آن بی بهره از ترقی مانده و پا بدایره مدنیّت نگذارده ناچار از ملت‌های دیگر عقب مانده در گرداب فساد اخلاق و رذایل غرق خواهد شد محمد جمیل یکی از ادبای فاضل و معاصر سوریه که در تربیت زنان خدمت‌های بزرگ کرده در کتاب اخیر خود بنام «المرأة فی التاريخ و الشرایع» چنین میگوید:

«شرکت و اختصاص زن در کارهای اجتماعی و امور اداری بهترین وسیله ترقی يك ملت است. برای اصلاح حال هیئت جامعه بشری و تنظیم کارهای اجتماعی، مرد از شرکت و مساعدت زن ناگزیر است.»

علمای بزرگ و نویسندگان دانشمند اسباب انحطاط و تأخر ما را از ممالک فرنگ هر يك بطرزی بیان کرده ولی همه متفق هستند در اینکه چهل اساس همه بدبختیهاست و برای بیرون آوردن مردم از گرداب جهالت زنهارا تشویق به افتتاح مدارس عالیّه و تحصیل علوم خانه‌داری و صنایع ظریفه کرده اند ولی سالها میگذرد کسی از زن ایرانی غیر از اسیری و انزوا و باربرداری چیز دیگر انتظار ندارد و اینگونه ملت هرگز روی خوشی و رستگاری نخواهد دید

و درین مسئله زن ایرانی را بهیچوجه سزاوار سرزنش و ملامت نباید دانست بلکه تقصیر در گردن مردان و بخصوص در جوانان تربیت شده و پرورش یافته اروپاست که در حقیقت غالب عملیات آنهازشت و شرم آور است و اسباب سرافکندگی زنان ایران را فراهم آورده است. این جوانان تجدد پرست اول باید برفع مفاسد و معایب شخصی خود پرداخته سپس وظیفه مهم و پر مسؤولیت تربیت نسوان را با اجماع عهده دار شوند.

س. مصطفی طباطبائی طهرانی معلم السنه شرقی در بمبی

۲- اهمیت حفظ الصحه برای زنان

مقاله ذیلرا خانم صدیقه دولت آبادی مدیر مجله زبان زنان که مدتیست برای معالجه وارد برلین شده اند مرقوم داشته اند. خدمات خانم فاضله بمعارف ایران و بخصوص بترقی زنان ایران بر همه روشن است. مخصوصاً مسافرت ایشان بتهنائی از ایران تا برلین دلیل محکمی است که زنان ایرانی از حیث هوش و ذکاوت و استعداد و قابلیت اخذ تمدن بهیچوجه از زنان فرنگی عقب نمیانند. نطقیکه خانم دولت آبادی در روز افتتاح چاپخانه ایران‌شهر بیان کردند از حیث فصاحت و بلاغت مورد تحسین و بلکه تعجب حاضرین گردید. ما امیدواریم که خانم فاضله در خدمت بترقی زنان ایرانی خسته نشوند و اولیای امور و خواهران ایرانی ما نیز قدرشناسی کافی ازین فاضله محترم بعمل بیاورند.

ایران‌شهر

بموجب حدیث معروف، علم بدن یعنی طبابت بعلوم دینی تقدم دارد، حفظ الصحه را که يك رشته از علم طب است میتوان بر طبابت هم مقدم شمرد. زیرا که علم طب برای خلاصی دادن از رنج بیماریست و بسی از امراض هست که اغلب اوقات مداوا پذیر نیست و مهلك هم نمیشد بلکه همیشه شخص را دوچار رنج و زحمت میدارد. اما حفظ الصحه حافظ سلامت و جلوگیری امراض و رنج‌جوریه‌ها میباشد پس علمیکه انسانرا از ابتلا بمرض محفوظ داشته از طیب و دوا بی نیاز میکند بر علم طب هم مقدم است. درینصورت دانستن حفظ الصحه و عمل کردن به آن يك جزو اعظم و الزم

